

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.326420.3008>

Abstract

The purpose of this study is to review and analyze the development plan of the Islamic Republic of Iran in the framework of good governance theories. Good governance is a new model of governance that governments use to meet the current needs of their citizens and has three elements of government, part Private and civil society. The special role of the government in the model of good governance, providing a suitable political and legal environment, and the special role of the private sector in earning income and creating employment and special work for civil society is a mechanism for the participation of social forces. The present study seeks to answer the main question, what is the situation of Iran's development after the Islamic Revolution in the framework of a good governance model? The hypothesis that is tested in response to the main question is that, instead of synergy with the private sector and civil society, the government alone has been the agent of good governance and the main factor in development. The research method from the perspective of the applied goal and the method of collecting data and information is observation and study, which has been done by referring to the library and archive of documents, as well as searching in virtual and Internet networks. The findings show that the result of good governance refers to the relationship between citizens and rulers, and with respect for the principles of democracy, provides ways for governments to respond and expands the right of citizens to express their opinions.

key words: Good governance, politics, development programs, civil society, underdevelopment

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۰۸۹-۲۱۰

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.326420.3008>

بررسی چارچوب الگوی حکمرانی خوب در پرتو هم‌افزایی نقش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در کشور جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

احمد کلهری^۱

علی محسنی^۲

محمد حسن الهی منش^۳

چکیده

غایت این تحقیق تحلیل برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریات حکمرانی خوب می‌باشد، حکمرانی خوب الگوی جدیدی از حکمرانی است که دولت‌ها آن را برای پاسخگویی به نیازهای کنونی شهروندان خود به کار می‌گیرند و دارای سه عنصر دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. کارویژه دولت در الگوی حکمرانی خوب، فراهم کردن محیطی سیاسی و حقوقی مناسب و کارویژه بخش خصوصی کسب در آمد و ایجاد اشتغال و کار ویژه جامعه مدنی مکانیزمی برای مشارکت نیروهای اجتماعی است. فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش اصلی مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد این است که، دولت به جای هم‌افزایی با بخش خصوصی و جامعه مدنی خود به تنهایی در الگوی حکمرانی خوب کارگزار و عامل اصلی امر توسعه بوده. روش پژوهش از منظر هدف کاربردی و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، مشاهده و مطالعه است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو اسناد و مدارک و همچنین جستجو در شبکه‌های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

کلیدواژگان: حکمرانی خوب، سیاست، برنامه‌های توسعه، جامعه مدنی، توسعه نیافتگی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

جهان امروز با چالش‌های زیادی در امور گوناگون روبرو است که این چالش‌ها از متغیرهای زیادی نشأت می‌گیرد و موجب دگرگونی‌های زیادی در امور مختلف شده است. این دگرگونی‌ها باعث تغییر در نقش و وظایف دولت‌ها نیز شده است و دولت‌ها به مانند گذشته قادر به پاسخگویی تمام امور نخواهند بود. بنابراین باید راهکارهای جدیدی پیدا می‌شد تا بتوان دولتی توانمند و پویا با بالاترین میزان از رضایت شهروندان داشت. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

الگوی حکمرانی خوب در کرسی‌های دانشگاه و مباحث سیاستمداران از زمانی گسترش یافت که بانک جهانی به ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات خود پرداخت. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

در این مدل مدل توسعه که بیشتر برای کشور‌های توسعه نیافته و در حال توسعه تجویز می‌شود، فرآیند حکمرانی باید بر اساس یک سلسله شاخص‌هایی اعمال گردد که شامل شفافیت و پاسخ‌گویی دولتمردان، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و نفی خشونت، مبارزه با فساد، کارآیی خدمات دولت و کیفیت مناسب مقررات باشد.

بر پایه این برنامه چنین رابطه تفکیک‌ناپذیری باید در اصول حکومت داری از سوی دولت رعایت شود تا بتوان به برنامه‌های توسعه و اجرای سیاست‌های توسعه‌یافتگی امید داشت. یاد آور می‌شود که دولت به مجموعه نهادها و قوای حکومت اطلاق می‌شود و ملاک صرفاً قوه مجریه نیست. توسعه‌یافتگی بر اساس الگوی حکمرانی خود منوط به هم‌افزایی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. در ایران به رغم پذیرش الگوی حکمرانی خوب در امر حکومت داری ما شاهد موانع و چالش‌ها در امر توسعه هستیم. علت تاخیر امر توسعه در ایران به جهت پیشتازی نقش دولت در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ است. به واقع کفه موازنه در سپهر سیاست ایران به نفع دولت و به ضرر بخش خصوصی و جامعه مدنی دستخوش تغییر می‌شود. آنگونه که پیداست دولت در اجرایی‌سازی شش دوره برنامه توسعه فعال می‌شود. در این ارتباط نقش یابی و نقش‌آفرینی دولت در توسعه اقتصادی منجر به اتاتیسم و استاتیسم و رانتیریسیم و نقش‌یابی دولت در توسعه سیاسی و فرهنگی منجر به فرهنگ سیاسی ناسالم یعنی پوپولیسم، فرهنگ توهم توطئه، سیاست زدگی و فقدان عقلانیت، فقدان شایسته‌سالاری، نامشخص بودن مرز میان تخصص و تعهد و درون‌گرومی بودن گردش‌نخبگان و در نهایت تضعیف مشارکت سیاسی و جامعه مدنی شده است. در توسعه اجتماعی نیز بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌هایی

فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت بر عهده دولت است و در این زمینه نیز دولت کارگزار اصلی آن است. نظر به نقش بلامنازع دولت در فرایند توسعه، بدیهی است که فرایند امر توسعه با موانع و تاخر و در نهایت توسعه نیافتگی منجر شود. علاوه بر این به جهت پیشتازی نقش دولت در اجرایی سازی برنامه های توسعه ما شاهد نظام حقوقی غیر شفاف و نا عادلانه و توزیع نا برابر فرصت ها، درگیری های اجتماعی و اعتصاب ها، قطبی شدن طیف های سیاسی و تنش های قومی، نا کارآیی نهادهای دولتی، مداخله دولت در اقتصاد، تابعیت نظام قضایی و سرانجام فساد مقامات دولتی هستیم. این امر موجب موانع، چالش و در نهایت موجب تاخر در امر توسعه در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود.

در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریات حکمرانی خوب مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این زمینه بیشترین کوشش ممکن به عمل آمده تا با تحلیل داده ها به پرسش های پژوهش پاسخ مناسب داده شود.

حکمرانی خوب

طبق تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست های پیش بینی شده، آشکار و صریح دولت که نشان دهنده شفافیت فعالیت های دولت است، بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه های اجرایی در قبال فعالیت های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می یابد. به طور کلی می توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجرایی و منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می باشد. این تمرین دربر گیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت ها داشته باشند. حکمرانی خوب دارای عناصری چون دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. در همین ارتباط حکمرانی خوب دارای اصولی چون: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی یا عدالت، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت پذیری می باشد. (نورانی، ۱۳۹۳)

توسعه

از منظر نظری توسعه یک مقوله ارزشی، جریانی چند بعدی است که مفهوم بهبود از آن به ذهن متبادر می شود. بر این اساس باید توسعه مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهاد های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در مفهوم علمی آن عبارتند از: مرگ

تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی که این نظام خود مرحله و شرایط تاریخی تازه ای برای جامعه خواهد بود. (ازکیا، ۱۳۸۸)

برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران

برنامه ریزی برای توسعه در هر کشوری با توجه به نیازها و شرایط و مقتضیات آن کشور صورت می گیرد و ظرفیت ها و نیازهای هر کشوری نوع خاصی از برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت را مشخص می کند. در ایران نیز استراتژی ها و برنامه هایی برای توسعه به صورت بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت تهیه شده است که برنامه های پنج ساله توسعه یکی از این دست برنامه ها می باشد. تدوین برنامه های پنج ساله توسعه بعد از پایان جنگ تحمیلی و از سال ۶۸ با تصویب اولین برنامه از این دست شروع شد و تا امروز ادامه دارد. برنامه پنج سال اول توسعه؛ بازسازی خرابی های جنگ تحمیلی بی ثباتی های ابتدای انقلاب و بلافاصله حمله عراق به ایران شرایط را برای برنامه ریزی های بلند مدت و میان مدت برای کشور از بین برده بود. اما با پایان جنگ و ضرورت های موجود برای بازسازی هر چه سریعتر کشور، برنامه پنج ساله اول توسعه توسط دفتر اقتصاد کلان معاونت امور اقتصادی وزارت برنامه و بودجه در پنج فصل تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد شد و نهایتاً سند برنامه اول توسعه در اواخر سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس رسید و همان سال به عنوان سال ابتدایی اجرای برنامه اعلام شد. هدف های کلی این برنامه شامل بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی، بازسازی و نوسازی ظرفیت های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی، گسترش کمی و ارتقاء کیفی فرهنگ عمومی، ایجاد رشد اقتصادی، تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم، تعیین و اصلاح الگوی مصرف، اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور و مواردی دیگر از این دست قرار داده شده بود. (کرد بچه، ۱۳۸۵)

دولت

دولت در علم سیاست، دستگاهی سیاسی اجباری با حکومتی متمرکز است که انحصار استفاده درست از اجبار و زور درون یک قلمرو جغرافیایی معین را حفظ می کند. مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم دولت و حکومت را به یک معنا به کار می برند و در زبان عامیانه و رسانه ها دولت معمولاً به معنی قوه مجریه یا هیئت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد. گاهی نیز

دولت به بخشی از حکومت اشاره دارد که شامل نهادهای مذهبی و نهادهای مدنی نمی‌شود. مثلاً کاربرد واژه دولت در اصطلاح سازمان‌های غیردولتی به این مفهوم از دولت اشاره دارد. (بشیریه، ۱۳۸۲)

بخش خصوصی

در علم اقتصاد، بخش خصوصی بخشی از اقتصاد است که هم برای بهره‌های شخصی راه‌اندازی شده‌است و هم تحت کنترل دولت نیست. برعکس، شرکت‌هایی که بخشی از دولت هستند قسمتی از بخش عمومی به‌شمار می‌آیند. سازمان‌های خصوصی غیرانتفاعی به عنوان بخش اختیاری در نظر گرفته می‌شود. بخش خصوصی بخش عمده‌ای از نیروی کار را در برخی کشورها به کار می‌گیرد. در بخش خصوصی، فعالیت‌ها به وسیله انگیزه برای کسب درآمد هدایت می‌شوند. (نیلی، ۱۳۸۹)

نظم جهانی حکمرانی خوب

چندین دهه نظریه رایج بر این اصل استوار بوده که مشکلات فقر و عدم توسعه در کشورهای در حال توسعه ریشه در زیر ساخت‌ها و عدم آموزش دارد. بنابراین باید کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه در جهت تامین این گونه منابع مساعی لازم را به عمل آورند. بانک جهانی بدلیل اینکه همواره تاثیرات مهمی در سطح جهان و سیاست‌های اتخاذ شده کشورها داشته است این بار نیز حکمرانی خوب را بعنوان چارچوب و معیار استاندارد برای اجرای موفق این تئوری می‌باشد. مع الوصف حکمرانی خوب واژه‌ای جدید و بدیع نیست و از چند دهه گذشته نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر عهده داشته است. اما کارکرد آن بسیار متحول گشته و حالت جهان شمول به خود گرفته است. از زمان‌های قدیم تا کنون کارکرد حکومت را به خوب و بد تقسیم کرده‌اند. (ملک محمدی، ۱۳۹۴)

در نزد مردمان یونان باستان الهه‌هایی که مظهر جنگ و ستیز و بی‌تظمی بودند، حکومت بد را تشکیل می‌دادند و این دسته از الهه‌ها فاقد پدر بودند و مستقیماً از ظلمت و تاریکی زاده می‌شدند. پس از آنکه زئوس (خدای خدایان) تئیس را به همسری برگزید، الهه عدالت متولد شد و به همراه خواهران خود که آنان نیز نتیجه همین وصلت

بودند پایه های حکمرانی خوب را پی ریز کردند. گرچه داستان، افسانه ای بیش نیست اما ذهن را به سمتی سوق می دهد که می پذیریم حکمرانی خوب و بد واقعیتی است انکار ناپذیر و نظریه پردازان و علمای علم حقوق و اقتصاد تعاریف و مولفه هایی بر آن بر شمرده اند تا وجه تمایزی میان این دو نوع از حکمرانی ایجاد شود. (آرایی، ۱۳۹۵)

در بخشی دیگر از این اثر که حکمرانی بد را به تصویر کشیده است، یک هیبت شیطانی بر سریر قدرت نشست است که بیانگر بی رحمی، خیانت، تجاوز، حيله، خشم، منازعه دمردم و عدم اعتماد است. نتیجه این نوع حکمرانی زمین های بایر است که در آنها کسی کار نمی کند و در آن شهر قتل مردان و تجاوز به زنان رایج است. این نقاشی در شهرداری فعلی سانای ایتالیا به عنوان اندیشه گذشتگان قابل مشاهده است که حکمرانی را عامل مهم در سعادت شهروندان می دانند. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

عناصر و شاخص های حکمرانی خوب

از اواخر دهه ۹۰ میلادی نهاد های بین المللی متد حکمرانی خوب را به عنوان کلید توسعه و حل چالش های پیش روی دولت ها مطرح نمودند. متد و الگوی حکمرانی خوب از مباحث تازه و کلیدی است که بیش از دو دهه اخیر به ادبیات توسعه وارد شد و به سرعت توجه همگان را به خود معطوف کرد. حکمرانی خوب برای دوری جستن از نتایج و عواقب حکمرانی بد بوده است، زیرا فقدان یک حکومت مردم سالار و عدم ساختار های دموکراتیک موجب بروز مشکلات و ناهنجاری هایی از قبیل: فقر، نابرابری، عدم اشتغال، فساد، عدم بهداشت و آموزش و عدم توزیع مناسب ثروت در سطح جامعه می گردد.

عناصر حکمرانی خوب

حکمرانی خوب مستلزم عناصر سه گانه حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است گستره فعالیت این سه بخش در هر دولتی با توجه به رژیم سیاسی و میزان آزادی و آزادی خواهی بافت تاریخی و فرهنگی آن متغیر است.

حکومت: در حکمرانی وب، حکومت باید توانمند باشد تا بتواند اجزای دیگر را نیز توانمند و کار آمد گرداند. حکومت نقش تنظیم کننده را ایفا می کند نه یک مالک و کار فرما. باید با عناصر دیگر همکاری لازم را داشته باشد تا حکمرانی خوب شکل بگیرد و خود یکی از حلقه های این زنجیر قرار می گیرد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

بخش خصوصی: در حکمرانی خوب بخش خصوصی با بستری که دولت فراهم می‌سازد، از طریق مرتفع کردن نارسایی‌ها، حمایت از رقابت سالم و جلوگیری از انحصار می‌تواند به تولید ثروت، اشتغال‌زایی، رونق اقتصادی اقدام نماید. زیرا این بخش ظرفین بالایی در جهت ایجاد استقلال و پویایی و در آمد زایی در اقتصاد را دارا می‌باشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

جامعه مدنی: جامعه مدنی در چارچوب جامعه‌شناسی و تجددگرایی، نوعی شیوه زندگی و نمادی از پیشرفت تمدن بشری است. جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اطلاق می‌شود که خارج از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از تشکل‌های خصوصی نهاد‌های مشارکت قانونی و موسسات تمدنی را در بر می‌گیرد و دارای ارکان و اصولی است که تنها با تحقق یافتن این شاخص‌ها و اصول، جامعه مدنی به مفهوم واقعی خودش نمودار می‌شود. مهمترین شاخص‌های جامعه مدنی عبارتند از: آزادی، قانونمندی، کثرت‌گرایی، مشخص بودن حوزه‌های عمومی و خصوصی، تساهل و مدارا. در این جوامع، نظام حاکم کثرت‌گراست و در آن گروه‌های ذینفوذ، گروه‌های فشار، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، طبقات، رسانه‌های جمعی، احزاب سیاسی، سندیکاها و گروه‌های دیگر سیاسی برای کسب قدرت با هم رقابت می‌کنند. (ازغندی، ۱۳۸۵)

شاخص‌های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، می‌کوشد تا شاخص‌هایی را برای تشخیص درجه خوبی حکمرانی یک جامعه نیز تعیین نموده و این شاخص‌ها را از طریق نشانگرها یا معیارهایی چند قابل سنجش نماید. بانک جهانی به عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد. حکمرانی خوب بر اساس تعریف این نهاد شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند و تعهدات شان را برآورده می‌سازند و تفاوت شان را تعدیل می‌کنند. لذا تفاوت اساسی‌ای که این شبه‌پارادایم با بقیه شبه‌پارادایم‌ها دارد این است که حکمرانی خوب از سطح بین‌المللی یا فراملی به مدیریت دولتی کشورها تحمیل می‌شود، در صورتی که بقیه شبه‌پارادایم‌ها در سطح ملی و با توجه به علائق و سلائق دولتمردان و بافت فرهنگی، سیاسی جامعه خود از آن بهره می‌برند. عده‌ای در تعریف و شناسایی حکمرانی خوب به بیان شاخص‌های آن پرداختند، تا ضمن شناسایی حکمرانی خوب، با استفاده از شاخص

ها به اندازه گیری و سنجش آن در جوامع مختلف پردازند. برای این منظور افراد، گروه‌ها و نهادهای بین‌المللی هر یک شاخص‌ها و ویژگی‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند از جمله هاتروشاخ شاخص‌هایی مانند: مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند و معتقدند که به هر میزان در دستیابی به ویژگی‌های معرفی شده موفقیت و توفیق حاصل شود، به حکمرانی خوب نزدیک می‌شود. در کل حکمرانی خوب با ویژگی‌هایی چون، مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی (اجماع)، برابری، اثربخشی و کارآیی مطرح می‌شود.

مشارکت

منظور از مشارکت این است که مردم بتوانند با ابزارهایی نهادمند در اداره‌ی جامعه خود حداکثر مشارکت را داشته باشند. آزادی بیان و آزادی تشکیل حزب و مشارکت مدنی نهادمند از ویژگی‌های شاخص مشارکت می‌باشد. در شاخص مشارکت مردم از طریق نهادمند به تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود می‌پردازند. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

حاکمیت قانون

در این شاخص وجود قانون منصف در جامعه مدنظر است یعنی قانونی که برآیند مشارکت نهادمند جامعه باشد برای تحقق این منظور بایستی دستگاه قضایی بی‌طرف و عاری از فساد و پلیس قانونمند و بی‌طرف وجود داشته باشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

شفافیت

در این شاخص منظور وجود گردش آزاد و ارزان و قابل فهم در جامعه برای مردم است. در شاخص شفافیت آزادی رسانه‌ها باید وجود داشته باشد و اطلاعات رانتی و محدود نباشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

یعنی نهادهای حکومتی در مقابل مطالبات مردم پاسخگو و مسأول باشند و به نیازهای مردم و درخواست‌های آنان توجه عملی نشان دهند. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

اجماع‌سازی

یعنی تصمیمات حکومت بایستی با توجه به منافع درازمدت مردم تهیه شود و از تصمیمات شتابزده باید خودداری کرد و بایستی از تمام نظرات موافق و مخالف در تصمیم سازی بهره برد تا اجماعی عمومی در بین گروه‌های سیاسی برای نیل به توسعه ی جامعه صورت گیرد. در اجماع سازی مشورت کردن با موافق و مخالف برای تدوین سیاست ها مهم می باشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

برابری

یعنی تمام افراد جامعه باید از فرصت های برابر برخوردار باشند و امکانات در جامعه بر اساس انصاف و شایستگی توزیع شود و دولت باید به توانمند سازی اقشار ضعیف در جامعه بپردازد و حمایت های لازم و توان بخش از اقشار ضعیف صورت گیرد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

کارایی و اثر بخشی

یعنی حکومت از توانایی توزیعی بالایی برخوردار باشد و قانون هایی اثر بخش برای کارآمدی خدمات عمومی و در عین حال توجه به حفظ و تقویت محیط زیست تدوین نماید. وجود دیوان سالاری کارآمد در این شاخص مهم می باشد. (قشقایی نژاد، ۱۳۹۵)

امکان امر توسعه همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب الگوی حکمرانی خوب در پرتو نقش دولت امکان حکمرانی خوب با توجه به ویژگی ها و شاخص های آن نیازمند دولتی است که زمینه ساز تحقق مشارکت سایر بخش ها در توسعه باشد. در الگوی جدید، دولت باید ثبات و پایداری در جامعه ایجاد کند، چارچوب های قانونی مناسب و اثر بخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی وضع کند و ثبات و عدالت در بازار ایجاد کند، نقش میانجی در مصالح عمومی و اثر بخشی و پاسخگویی در ارائه خدمات عمومی داشته باشد و نیز دولت باید فرصت های لازم برای افراد جامعه به منظور بهبود وضعیت خویش فراهم آورد.

در چنین شرایطی اداره دولت از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی عمومی تغییر خواهد یافت. حکمرانی عمومی بر ارزش های قانونی و ارزش های مشروعیت به جای ارزش های اقتصادی و کارایی صرف تاکید

بیش تری دارد و ایجاد دموکراسی در جامعه برای آن اهمیت دارد. (کیکرت، ۲۰۰۲: ۱۸۷۲)

دولت در نقش جدید که وام دار نظریاتی مانند نظریه مدیریت دولتی نوین هود، نظریه دولت مدیریتی و نظریه دولت کار آفرین آزرین و گیبلر است، نیازمند الگویی است که ضمن تاکید بر جنبه های کارآیی و اثر بخشی دولت که در رویکرد توسعه مطرح بود، بر جنبه های دموکراتیک و ارزش های دموکراسی نیز توجه داشته است. با استفاده از چنین الگویی می توان ساختی از دولت طراحی نمود که تسهیل کننده حکمرانی خوب باشد. (قلی پور، ۱۳۸۳)

سازوکارها و قابلیت های دولتی تسهیل کننده امر توسعه در پرتو الگوی حکمرانی خوب
سازوکارها و قابلیت های دولتی تسهیل کننده امر توسعه در پرتو الگوی حکمرانی خوب شامل: سازوکار
های قانونی تحقق دولت دموکراتیک، سازوکار های قانونی تحقق دولت مشارکتی و سازوکار های قانونی تحقق عدالت
اجتماعی می شود

سازوکار های قانونی تحقق دولت دموکراتیک

به منظور تحقق دولت دموکراتیک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازو کار های در نظر گرفته شده است. تاکید اولیه قانون اساسی بر الگوی دموکراتیک جامعه و دولت در اداره عمومی و تامین آزادی های سیاسی و مدنی است

سازوکار های قانونی تحقق دولت مشارکتی

بکار گیری سازوکار های قانونی تحقق دولت مشارکتی یکی از مکانیسم های تحقق حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران است. در این ارتباط و به منظور تحقق دولت مشارکتی بعنوان یکی از مکانیسم های تحقق حکمرانی خوب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف بر مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی تاکید دارد.

اصل ۴۶ قانون اساسی مردم را مالک کسب و کار خود می داند و می گوید هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز با تقسیم بندی اقتصاد ایران به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی با مشروع دانستن مالکیت در هر سه بخش، مشارکت مردم، در فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی، تعاونی و حتی دولتی را مورد توجه قرار داده است.

- اصل ۵۹ قانون اساسی با تدبیر روش همه پرسی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت مردم در سیاست گذاری و تصمیم در این حوزه ها تاکید می کند و مردم را صاحب رای و شریک در تصمیم گیری می داند.

- در اصل ۱۰۱ قانون اساسی به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استان ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن ها، با تشکیل شورا ها، مردم را در تصمیم گیری های مربوط به فعالیت ها و مسایل اقتصادی مشارکت می دهد.

- در نهایت در بند ۲ اصل ۴۳ بر مشارکت مردم در امور اقتصادی به منظور جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص و نیز جلوگیری از تبدیل به یک کارفرمای بزرگ مطلق تاکید شده است.

توسعه نیافتگی همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در الگوی حکمرانی خوب با تاکید بر موانع و مشکلات مربوط به اعمال دموکراسی

اولین مانع و مشکل مرتبط با اعمال دموکراسی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مربوط به مشکلات در اجرا است. مشکلات اجرایی بیشتر ناشی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی است. اهم این مشکلات عبارتند از:

- ناتوانی بخش قوه مجریه در اجرای وظایف مربوط به خود. این مشکل به ساختار غیر حرفه ای و غیر پویای دولت بر می گردد.

- فرهنگ موجود جامعه که سبب شکل گیری کنش ها و الگوهای رفتار های زیر شده است:

نابرداری سیاسی، عدم اطلاع شهروندان از حقوق خود، مدل های ذهنی منسوخ شده مدیران، وجود زمینه های سیاسی، اجتماعی و تاریخی باز سازی مناسبات استبدادی، فقدان زمینه های فرهنگی و سنت های دموکراسی خواهی، عدم رعایت اخلاق انسانی و شهروندی، رقابت ستیزی، ضعف فرهنگ تسامح، عدم رعایت قواعد بازی مبتنی بر مسالمت جویی.....

- فقدان رابطه دوجانبه دولت و مردم که سبب شکل گیری فضای بی اعتمادی بین مردم و دولت شده است،

- امکان حاکمیت نخبگان غیر متعهد به دموکراسی،

- پذیرفته نشدن رعایت قواعد دموکراتیک به عنوان یک ارزش در ارکان دولت و جامعه،

- وظیفه ناشناسی قوا در حد انتظار و عدم پای بندی به ضوابط.

دومین مانع و مشکل مرتبط با اعمال دموکراسی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری

اسلامی ایران مربوط به مشکلات در سیاستگذاری است.

- توسعه نیافتگی همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در الگوی حکمرانی خوب با تاکید بر موانع و مشکلات

مربوط به تحقق الگوی مشارکتی

اولین مانع و مشکل مرتبط با تحقق الگوی مشارکتی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری

اسلامی ایران مربوط به مشکلات اجرایی است. در این ارتباط، وجود برخی مشکلات در اجرای الگوی دولت مشارکتی

عامل تاثیر گذار در عدم توفیق می باشد. این مشکلات در سه بخش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی طبقه بندی می شوند.

- کاهش انگیزه مشارکت مردم به دلیل عدم تامین حد اقل مطالبات مردم، عدم اعتماد مردم به دولت

مردان، مسئولان و مدیران یا همان بحران اعتماد، فقدان گروه های ذی نفع، احزاب سیاسی و نهاد های مدنی، عدم شکل

گیری حوزه عمومی در مقابل حوزه حاکمیتی و تقدم منافع شخصی مدیران و مسئولان بر منافع عامه مردم از جمله علل

و عوامل سیاسی شمرده می شود.

- عدم اعتقاد به تصمیمات جمعی، عدم آگاهی مناسب مردم و شهروندان به حقوق شهروندی خود، نبود

پذیرش و ظرفیت لازم جهت سهم بخشی به مشارکت مردم، ضعف نظام آموزشی، عدم آگاهی درست مردم از زوش

های مدیریت در جامعه، از جمله علل و عوامل فرهنگی و اجتماعی عدم تحقق الگوی مشارکتی در ساخت دولت ایران

محسوب می شود.

دومین مانع و مشکل مرتبط با تحقق الگوی مشارکتی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری

اسلامی ایران مربوط به مشکلات سیاستی است. موانع و مشکلات سیاستی تحقق الگوی مشارکتی در دو بخش ساختار

قانونی و ساختار سازمانی تحلیل می شود.

- عواملی نظیر فقدان قوانین تسهیل کننده، جامع و کافی جهت مشارکت فراگیر مردم، مشخص نبودن جایگاه تشکل های مردمی و نقش قانونی آن ها، وضع قوانین ناسازگار مانند قانون برنامه چهارم توسعه که از یک سو بر منع خصوصی سازی و از سوی دیگر بر کاهش حجم دولت در برنامه تاکید شده است و مواردی مانند آن از موانع و مشکلات ساختار قانونی تحقق مشارکتی عمومی می باشد.

- همچنین گستردگی نظام بورکراتیک غیر مشارکت جو، فقدان نهاد و سازمان های متولی برای نهاد مند کردن مشارکت، سلطه وسیع دولت بر نظام تولید و توزیع ثروت، تعدد نظام های تصمیم گیر از عوامل سازمانی شمرده می شوند.

- توسعه نیافتگی همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در الگوی حکمرانی خوب با تاکید بر موانع و مشکلات مربوط به تحقق پاسخگویی

اولین مانع و مشکل مرتبط با تحقق پاسخگویی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مربوط به مشکلات اجرایی است. این مشکلات اجرایی عبارتند از:

- پراکندگی و تعدد دستگاه ها و مراجع متولی امور عمومی کشور،

- عدم شایسته سالاری و نظام نامناسب انتخاب و انتصاب،

- فعالیت ضعیف و غیر نظام مند احزاب سیاسی در جامعه،

- ضعف نظام دموکراتیک، زیرا پاسخگویی لازمه قهری نظام دموکراتیک است و فقدان نظام دموکراتیک سبب

پایین بودن پاسخگویی خواهد بود،

- نا کار آمدی دستگاه های نظارتی، مستقل نبودن و وابستگی سیاسی آن ها،

- ضعف تعهدات اخلاقی و دینی که اگر درونی می بود سبب شکل گیری وجدان کاری و تعهد به مردم می

شد،

- توجه اندک و غیر علمی به ارزیابی و نظارت پایین بودن آن ها در کلیه امور،

- بی برنامه گی دولت و عقب ماندن از برنامه های حد اقلی،

- ناکارآمدی مدیران دولتی.

دومین مانع و مشکل مرتبط با تحقق پاسخگویی برای امر توسعه در الگوی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مربوط به مشکلات سیاستی است. مشکلات سیاستی ناشی از مشکلات در ساختار قانونی و ساختار سازمانی باید تحلیل شود که عبارتند از:

- عدم تناسب و تعادل بین قدرت و اختیار با مسئولیت و سطح پایین نظارت مردمی که خود ناشی از مداخله دور مردم در تعیین سیاست ها و مدیران است، از جمله عوامل اصلی ساختار قانونی شمرده می شود.

- دیوانسالاری سنتی و ناکارآمدی آن که امکان تحقق پاسخگویی را مشکل می سازد، از موانع ساختار سازمانی به شمار می آید. در این ارتباط، شرایط و ویژگی های ساختاری دولت در ایران کتماز با شرایط و ویژگی های ساختاری مطلوب است و شکاف موجود عامل بازدارنده تحقق پاسخ گویی است

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریات حکمرانی خوب مورد بررسی قرار گرفت. حکمرانی خوب الگویی است که در آن دولت بتواند به عنوان یکی از ارکان سه گانه با مشارکت دو بخش دیگر (خصوصی و مدنی) به فعالیت بپردازد. بنیاد الگوی حکمرانی خوب بر توانمندسازی دولت و تعامل آن با سایر بخش های جامعه استوار است. اگر چه به باور برخی صاحب نظران، وجود نوعی شکاف بین دولت و ملت در جوامع کمتر توسعه یافته که ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این گونه کشورها دارد در حکم موانع جدی در تحقق حکمرانی خوب است، اما در این پژوهش نشان داده شده است که در ایران به رغم پذیرش الگوی حکمرانی خوب ملاحظه موانع و چالش در امر توسعه هستیم. در واقع حکمرانی خوب در ایران مبتنی بر سبک دستوری و سلسله

مراتبی است که در آن تعادل ضعیفی میان کنشگران مختلف تاثیر گذار بر حکمرانی خوب در ایران وجود دارد که اغلب به صورت سلسله مراتبی و دستوری از سوی دولت شکل می‌گیرد. نقش پر رنگ دولت در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نشان‌دهنده‌ی ضعف‌های اساسی در سیستم حکمرانی است. به عبارت دیگر، علت تاخر امر توسعه در ایران به جهت پیشتازی نقش دولت در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ است. به واقع کفه موازنه در سپهر سیاست ایران به نفع دولت و به ضرر بخش خصوصی و جامعه مدنی دستخوش تغییر می‌شود. آنگونه که پیداست دولت در اجرایی‌سازی شش دوره برنامه توسعه فعال مایشا است. در این ارتباط نقش یابی و نقش‌آفرینی دولت در توسعه اقتصادی منجر به اتاتیسم و استاتیسم و رانتیریسیم و نقش‌یابی دولت در توسعه سیاسی و فرهنگی منجر به فرهنگ سیاسی ناسالم یعنی پوپولیسم، فرهنگ توهم توطئه، سیاست زدگی و فقدان عقلانیت، فقدان شایسته‌سالاری، نامشخص بودن مرز میان تخصص و تعهد و درون‌گروهي بودن گردش‌نخبگان و در نهایت تضعیف مشارکت سیاسی و جامعه مدنی شده است. در توسعه اجتماعی نیز بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌هایی فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت بر عهده دولت است و در این زمینه نیز دولت کارگزار اصلی آن است. نظر به نقش بلامنازع دولت در فرآیند توسعه، بدیهی است که فرآیند امر توسعه با موانع و تاخر و در نهایت توسعه نیافتگی منجر شود. علاوه بر این به جهت پیشتازی نقش دولت در اجرایی‌سازی برنامه‌های توسعه ما شاهد نظام حقوقی غیر شفاف و نا عادلانه و توزیع نا برابر فرصت‌ها، درگیری‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها، قطبی شدن طیف‌های سیاسی و تنش‌های قومی، نا کارآیی نهادهای دولتی، مداخله دولت در اقتصاد، تابعیت نظام قضایی و سرانجام فساد مقامات دولتی هستیم. این امر موجب موانع، چالش و در نهایت موجب تاخر در امر توسعه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

به رغم موانعی که در امر توسعه همه‌جانبه در راستای الگوی حکمرانی خوب در ایران وجود دارد، اما تحلیل ساختار قانونی ایران به ویژه ساختار قانون اساسی نشان می‌دهد که زمینه‌ها و بسترهای ساختاری مناسب برای تحقق هریک از شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب موجود است.

نظر به آنکه توسعه همه‌جانبه در پرتو حکمرانی خوب به عنوان فرآیندی ضروری در آغاز هزاره سوم میلادی از مباحث قابل تامل در کشوری چون ایران محسوب می‌شود و از دیگر سو، جامعه بشری در قرن بیستم، فرآیند گذار از

سنت به مدرنیسم را تجربه می کند و توسعه همه را از نتایج این تجربه و تحول می داند، راهکارها و پیشنهاداتی در قالب استنتاجات نظری به منظور برون رفت از وضع موجود و شرایط موانع توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب ارائه می گردد و آن اینک:

(۱) تقویت شایسته سالاری به گونه ای که علاوه بر گماشتن مدیران شایسته و توانمند، شرایط لازم را برای بروز شایستگی ها و تخصص، تجربه، کارایی فراهم گردد.

(۲) انباشت قدرت و توزیع مجدد آن،

(۳) افزایش مشارکت اجتماعی و در نتیجه شریک نمودن دیگران در قدرت، در مقابل کاهش و از دست دادن اقتدار صاحبان قدرت قبلی،

(۴) تقویت جامعه مدنی از طریق انبساط سیستمی، تنوع ساختاری و برخورداری زیر سیستم ها از استقلال نسبی،

(۵) تقویت فرهنگ سیاسی سالم آنهم به عنوان یک سلسله ایستارها، اعتقادات و انگاره ها و نیز طرز تلقی مردم و جهت گیری آنان نسبت به نظام سیاسی و معنی بخشی و کار کرد های آن،

(۶) برقراری نظام گردش طبیعی نخبگان، ایجاد شرایط گردش بیرونی نخبگان و جذب نخبگان فکری بر اساس شایسته سالاری، تخصص و تعهد و عقلانیت.

(۷) تاکید بر عقلانیت، عقل نقاد، خود بنیاد و خرد دموکراتیک در فرایند جریان اندیشه و تولید فکر.

منابع و مأخذ

کتاب

- (۱) ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵) در آمدی بر جامعه شناسی معاصر ایران، تهران، نشر قومس.
- (۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۸۸) جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کیهان.
- (۳) بشیریه، تهران (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- (۴) بشیریه، حسین (۱۳۸۴) اندیشه سیاسی قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری: جان رالز، تهران: نشر نی.
- (۵) توکلی، احمد (۱۳۸۰) بازار و دولت: کامیابی ها و نا کامی ها، تهران، نشر سمت.
- (۶) دوبنوا، آلن (۱۳۷۸) تأمل در مبانی دموکراسی، ترجمه: بزرگ نادر زاد، تهران: نشر چشمه.
- (۷) سردار نیا، خلیل (۱۳۸۷) شاخص های حکمرانی خوب در چارچوب نظریه سیستمی، مجموعه مقالات همایش علمی حکروایی خوب شهری، تهران، تیسرا.
- (۸) سو، آلوین (۱۳۸۰) تغییرات اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۹) شاکری، حمید (۱۳۹۴) حکمرانی خوب شهری: مطالعه تطبیقی ایران، آمریکا، انگلیس، ترکیه و مصر، تهران، انتشارات مصلی.
- (۱۰) غنی نژاد، موسی (۱۳۷۷) تجدد طلبی و توسعه در ایران، تهران، نشر مرکز.
- (۱۱) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، نشر حکایت قلم نوین.
- (۱۲) قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۴) بایسته های حقوق اساسی. تهران: نشر دادگستر.

- ۱۳) قشقایی نژاد، مرجان (۱۳۹۵) اصول حکمرانی خوب در پرتو آراء دیوان عدالت اداری ایران، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۴) قشقایی نژاد، مرجان (۱۳۹۵) اصول حکمرانی خوب در ایران، تهران، نشر جنگل.
- ۱۵) قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸) چالش های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس.
- ۱۶) کردبچه، محمد (۱۳۸۵) دولت و رشد اقتصادی در ایران، تهران، نشر نی.
- ۱۷) ملک محمدی، حمید رضا (۱۳۹۴) مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی، تهران، نشر سمت.
- ۱۸) ملک محمدی، حمید رضا (۱۳۹۴) مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی، تهران، نشر سمت.
- ۱۹) نقیب زاده، احمد (۱۳۷۶) چالش های توسعه سیاسی، تهران، انتشارات قومس.
- ۲۰) نورانی، سید محسن (۱۳۹۳) حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی ایرانشهری، تهران، انتشارات ورسه.

منابع انگلیسی

۱. Harris, J. David (2008), "A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005", at Massey University, Palmerstone North and New Zealand, Book, online in English.
۲. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.